

## مبانی فقهی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین

محسن اسماعیلی<sup>۱</sup>، سیداحمد حبیب‌نژاد<sup>۲\*</sup>

### چکیده

تبلیغات انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران نتوانسته است به یک مدل شایسته و الگوی بومی دست یابد و به ویژه، وعده محوری، به یک رویه عمومی در انتخابات تبدیل شده است. هرچند در میان فقها در لزوم یا عدم لزوم وفا به وعده‌ها اختلاف وجود دارد، به نظر می‌رسد ادله طرفداران لزوم وفای به وعده در موضوع وعده‌های انتخاباتی پسندیده‌تر باشد. البته قوانین و مقررات خاص و ویژه‌ای نیز برای مقابله با این معضل تبلیغاتی پیش‌بینی نشده است، اما برخی اصول قانون اساسی یا برخی بندهای سیاست‌های کلی نظام در امر انتخابات نیز می‌توانند مبنای حقوقی مقابله با وعده‌های دروغین انتخاباتی و لزوم عمل به وعده‌های قانونی باشند. همچنین، ضمانت اجرای موردنظر در این مورد باید در شرایطی خاص و بدون هرگونه سوءاستفاده و تحت نظر اصل حاکمیت قانون و در قالب یک فرایند قضایی یا شبه قضایی و طی یک بررسی کاملاً مستند و مستدل همراه اصول و قواعد دادرسی منصفانه باشد.

### کلیدواژگان

تعهد اجتماعی، حاکمیت قانون، شروط ابتدایی، صلاحیت، وعده‌های انتخاباتی.

۱. دانشیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار دانشکده حقوق، پردیس فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: A.habibnezhad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

## مقدمه

تبلیغات انتخاباتی از مهم ترین مراحل انتخابات است که در آن شهروندان با کاندیدای موردنظر آشنا می شوند و پس از ارزیابی کارکردهای گذشته او، بر برنامه های آتی اعلامی از سوی او نیز نگاهی می اندازند و پس از ارزیابی این دو مؤلفه و از میان کاندیداهای دیگر گزینش می کنند. متأسفانه بر خلاف عملکرد گذشته که قابل ارزیابی است، وعده هایی که کاندیداهای انتخاباتی می دهند از امکان سنجش ارزیابی کمتری برخوردارند و این همان ابزاری است که برخی می توانند با سوءاستفاده از این خلأ و با بیان وعده های غیرواقعی و حتی خیالی که گاهی اصلاً با جنس اختیارات و وظایف پست موردنظر هیچ سنخیتی ندارد، از رقیبان انتخاباتی پیشی بگیرند و رقیبی را که از روی صداقت به چنین فضا سازی هایی اقدام نکرده است، پشت سر بگذارند.

متأسفانه در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران نیز شاهد این رویه هستیم و هرچه به سمت آینده پیش می رویم، این پدیده شوم، نظام انتخاباتی را بیشتر درگیر و فضای سالم انتخاباتی ما را دچار تهدید و چالش می کند؛ امری که باید برای آن چاره ای اندیشید و نظام تقنینی نیز باید چارچوب قانونی شایسته ای را برای این پدیده ناشایست تدوین و تصویب کند. امید است این مقاله آغاز اندیشه ای برای ساماندهی حقوقی و تقنینی در حوزه وعده های انتخاباتی باشد.

## ماهیت فقهی وعده های انتخاباتی و لزوم عمل به آن

برای وعده های انتخاباتی می توان از چند منظر فقهی موضوع را بررسی کرد:

### ۱. وعده انتخاباتی به مثابه یکی از مصادیق وعده

در نگاه اول می توان وعده های انتخاباتی را از جنس وعده و از مصادیق آن دانست. در آیات و روایات بر وفای به عهد و پیمان تأکید زیادی شده است مانند: «الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا»<sup>۱</sup> و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، همچنین یکی از اوصاف الهی عمل به وعده ها معرفی شده است «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ»<sup>۲</sup> و روایاتی مانند «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ» و «مَا أَيْقَنَ بِاللَّهِ مَنْ لَمْ يَرِعْ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۱۹۹) و آیات قرآن از جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۱ و ۲) نشان از

۱. بقره: ۱۷۷.

۲. آل عمران: ۹. این جمله در چهار آیه دیگر نیز تکرار شده است.

اهمیت این امر در معارف دینی دارند. برخی فقها مانند صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱۴ و ۳۲۰) و امام خمینی (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۷۵) «نقض عهد» را از جمله گناهان کبیره معرفی کرده‌اند.

در ادبیات فقهی، وعده گاهی همراه و ضمن عقد و قراردادی قرار می‌گیرد که در این صورت می‌تواند ذیل مفهوم عنوان شرط ضمن عقد قرار گیرد، اما اگر بدون اینکه در ضمن عقدی، وعده‌ای بیان شود جزو شروط ابتدایی تلقی می‌شود. در مورد اصل لزوم وفای به شروط ضمن عقد اختلافی وجود ندارد و همه فقها بر لزوم انجام آن اتفاق دارند (حرعاملی، ۱۴۱۸: ۶۶۹؛ آل‌عصفور بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۰۴؛ میرزای قمی، ۱۴۲۷: ۹۰۹).<sup>۱</sup> اما در خصوص وعده به منزله شرط ابتدایی چند دیدگاه فقهی در خصوص لزوم یا عدم لزوم به آن وجود دارد:

### اول: نظریه عدم لزوم وفا در شروط ابتدایی

این گروه بر این نظرند که شروط ابتدایی مانند موضوع مورد بحث؛ همراه و ضمن یک عقد نیامده‌اند و در حقیقت مصداق شرط نیستند و عمومات وفای به شرط از جمله «المؤمنون عند شروطهم» شامل این گونه موارد نمی‌شوند مانند شیخ اعظم که به نقل از صاحب ریاض ادعای اجماع می‌کند<sup>۲</sup> (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۶) و مرحوم ایروانی نیز در حاشیه‌المکاسب آن را می‌پذیرد<sup>۳</sup> (ایروانی، ۱۴۰۶: ۶۱). البته شیخ انصاری در کتاب *القضا والشهادات* دلالت ظاهر ادله را بر وجوب وفا پذیرفت، اما با توجه به نظر اکثریت فقها مبنی بر عدم وجوب برای وفای به عهد در مقابل دیدگاه «تعداد کمی از فقهای متأخر» به سمت نظر اکثریت فقها رفت<sup>۴</sup> (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۰۹).

ملا احمد نراقی نیز بر این نظر است اگرچه به مقتضای ظاهر بعضی از اخبار لزوم وفای به وعده است، «لیکن ظاهر این است که قول به لزوم وفا به وعده حتی مثل وعده به بیع و صلح و طلاق و نکاح مخالف اجماع، بلکه ضرورت است و با وجود عموم بلوی و توقّر دواعی بر ذکر آن

۱. برای نمونه: «أن فهم العلماء عصر بعد عصر، في جميع أبواب الفقه، و استدلالهم بذلك على وجوب الوفاء، أعظم شاهد على ذلك، و لم نعثر على من قدح في ذلك» (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۳).

۲. «بل في الرياضين بعض الأجله حكاية الأجماع على عدم لزوم الوفا بما يشترط لا في العقد». شیخ انصاری در جایی دیگر می‌نویسد «أن المشروط عليه إن أنشأ إلزام الشرط على نفسه قبل العقد كان إلزاماً ابتدائياً لا يجب الوفاء به قطعاً» (انصاری، ۱۴۱۵: ۵۵).

۳. «أن دليل وجوب الوفاء بالشرط لا يشمل الشرط الابتدائي».

۴. «و هذه الاخبار وان دلت بظاهرها على وجوب الوفاء، لكن قيل: ان الظاهر اطلاق كلمات من عدا قليل من متأخري المتأخرين على عدم الوجوب كما يظهر من اتفاقهم على عدم وجوب الوفاء بالشرط الغير المشترط في عقد لازم، و ما دل من الاخبار على جواز نقض اليمين إذا كان -أو صار- ترك ما حلف عليه راجحاً».

قول به آن از احدی از فقها نقل نشده و اگر چنین می‌بود باید چنانچه از برای نذر و عهد و یمین کتاب یا بابتی علی حده ذکر نموده‌اند، از برای آن هم باید ایراد نمایند با آنکه عموم بلوی نسبت به این بیشتر است تا آن‌ها و مکرر فقها این عبارت یا شبه آن را می‌فرمایند که: لیس بعقد یجب الوفاء به، بل وعد یستحب الوفاء به» (نراقی، ۱۳۹۱: ۱۴۸).

بنابراین مهم‌ترین دلیل این گروه، اجماع (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱۸) و اتفاق فقهاست هرچند برخی فقها معتقدند که در فضای غیر از اجماع و در حالت اولیه، وفا به این تعهدات لازم است، همچنان که مرحوم سبزواری بعد از اینکه دلایل طرفداران عدم لزوم به وفای شروط ابتدایی را می‌نویسد، همه دلایل را مخدوش می‌داند و به خصوص در مورد اجماع می‌نویسد «أما الإجماع فلم یحک الا عن الریاض مع إن المتیقن منه إنما هو التقیید الخاص الأصولی لا ما نحن فیه من مطلق الشرط» (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۱۸).

### دوم: نظریه لزوم وفا در شروط ابتدایی

این گروه معتقدند که وفای به تعهدات ابتدایی لازم است و لذا مرحوم نراقی بعد از اینکه نصوص مرتبط با وفای به شروط را می‌آورد در جواب استدراک که این همه نصوص شامل وفای بر شروط ابتدایی نیز می‌شود، باصراحت اعتقاد خود را بر وجوب به وفای هر وعده‌ای اعلام می‌کند و علت مخالفت شیخ انصاری را این‌گونه توجیه می‌کند که چون شیخ اعظم در کتاب مکاسب موضوع شروط ضمن عقد را بحث و بررسی کرده دیگر وارد بحث شروط دیگر نشده است، زیرا از حیطة بحث کتاب مکاسب خارج می‌شد<sup>۱</sup> (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۴-۱۳۵).

نراقی در نتیجه‌گیری، پس از رد قول به عدم لزوم وفا در شروطی که مقدم یا مؤخر بر عقد باشد، می‌نویسد که مقتضای عمومات وجوب وفای به شرط به صورت مطلق است چه این شرط قبل از عقد باشد و چه بعد از آن و حتی اگر عقدی در میان نباشد (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۳۴-۱۳۵) و لذا خلف وعده هم به لحاظ تکلیفی حرمت دارد و هم به لحاظ وضعی دارای آثاری از جمله ایجاد حق برای طرف مقابل می‌شود همچنان که مرحوم سید صاحب عروه- آثار وضعی را به دنبال آثار تکلیفی مترتب می‌داند<sup>۲</sup> (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ۱۲۰).

۱. فإن قيل: لو تم ما ذكرت، لاقتضى وجوب الوفاء بكل ما يوعد و يلتزم به و لو لم یکن فی ضمن عقد، أو كان فی ضمن العقد الجائز، و الظاهر أنه لم یقل به أحد. قلنا: نعم نحن نقول بوجوب الوفاء بكل وعد، و قد صرح به جماعة. نعم لما لم یکن وظيفة كتاب المكاسب إلا الشرط فی ضمن العقد، فخصوا الكلام به.

۲. «قوله و عموم المؤمنون مختص إلی أقول فعلی هذا لا دلیل علی صحة هذا الشرط إذ عموم أوفوا بالعقود أيضا لا یشمله لأنه ظاهر فی الحكم التکلیفی فإن قلت لعله یقول إنه یشتمل من الروایة حکمان تکلیفی و وضعی و التخصیص إنما هو بالنسبة إلی الحكم الأول فقط قلت نعمن ذلك بل المستفاد حکم تکلیفی یشتمل وضعیاً و قد صرح بهذا فی قوله تعالی أوفوا فی أول بحث الخيارات».

مرحوم سبزواری نیز در استدلال بر لزوم به وفای در شروط ابتدایی با تأکید بر اینکه در لسان عرفی نیز این امر مورد تأیید است، معتقد است که اگر شبهه اجماع نباشد از اطلاق و عموم ادله می‌توان وجوب وفا به شروط ابتدایی را پذیرفت خصوصاً اینکه صاحبان مروت و حتی مردم عادی نیز عدم وفا به این امور را ناپسند می‌دانند و تقبیح می‌کنند (سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۲۵).

صاحب‌الکافی فی‌الفقه نیز به وفای بر وعده معتقد و تخلف از آن را مصداق «کذب» دانسته است و تنها وعده‌های قبیح و ناپسند را لازم‌الوفای نمی‌داند<sup>۱</sup> (نجم‌الخلبی، بی‌تا: ۲۲۶). بنابراین، اگر وعده‌های انتخاباتی را مصداقی از مصادیق شروط ابتدایی نیز بدانیم به نظر می‌رسد مبنای گروه دوم که با عمومات عمل به وعده و تقبیح خلف وعده و لزوم عمل به شروط ابتدایی موافق است، بتواند ایجاد ضمانت‌های حقوقی را در برخورد با وعده‌های دروغین توجیه کند.

## ۲. وعده‌های انتخاباتی به منزلهٔ ایجاب مشروط

هر عقدی با ایجاب و قبول شکل می‌گیرد. می‌توان گفت ایجاب اعلام ارادهٔ کسی است که طرف قرارداد را بر مبنای معینی به انجام‌دادن معامله دعوت می‌کند. به گونه‌ای که اگر پیشنهاد مورد قبول طرف قرار گیرد او به مفاد آن پایبند شود، خواه پیشنهاد ناظر به شخص معین یا عموم مردم باشد (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۷۵-۹۹). فرضیهٔ این دیدگاه آن است که انتخابات ماهیتی قراردادی‌گونه دارد هرچند این نوع قرارداد از جنس عقود و قراردادهای حقوق خصوصی نیست.

در انتخابات در حوزهٔ حقوق عمومی طرفین پیمان دو دسته‌اند: گروه انتخاب‌کننده (مردم رأی‌دهنده) و گروه انتخاب‌شونده یعنی همه، اکثریت یا گروهی از دارندگان حق رأی که در روز انتخابات پای صندوق‌های رأی می‌روند و فرد موردنظر خود را برمی‌گزینند. البته بر خلاف قراردادهای حقوق خصوصی، طرفین این پیمان به طور دقیق مشخص و هویدا نیستند و به دلیل مخفی بودن آرا معلوم نمی‌شود که چه کسی به چه فردی رأی داده است.<sup>۲</sup> اگر این فرضیه را بپذیریم وعده‌دادن از سوی کاندیداهای انتخاباتی مانند ایجاب مشروط

۱. «ومن وعد غیره بما یحسن الوفاء به فعلیه الوفاء به، لان خلفه کذب یجب اجتنابه، وان کان لو لم یف بالوعد لم یجب فی الحکم إلزامه به. وان کان الوعد قبیحاً لم یجز الوفاء به ویلزم الاستغفار منه لقبحه».

۲. برای مطالعهٔ بیشتر در خصوص ماهیت نمایندگی ر.ک: حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۸۵). «ماهیت نمایندگی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی»، فصلنامهٔ تخصصی فقه و حقوق، شمارهٔ ۸ و حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۸۶). نمایندگی مجلس (حقوق وظایف)، تهران: کانون اندیشهٔ جوان.

است که گویی شهروند در این عقد با یک ایجاب مشروط روبه‌روست و اگر هم رأیی داده است مانند قبولی است که در مقابل آن ایجاب مشروط کرده است و اگر آن قید (وعده) همراه ایجاب نبود، شهروند رأی خود را به نام آن کاندیدا نمی‌کرد.

### ۳. وعده انتخاباتی به مثابه تعهد اجتماعی

یکی از تحولات در ساحت حقوق، تغییر ماهوی برخی نهادها و پدیده‌ها در مسیر حرکت از حقوق خصوصی به حقوق عمومی است که می‌توان نمونه‌های زیادی از آن را دید و لذا اندیشمندانی چون ساواتیه و ریپر «اشغال حقوق خصوصی به وسیله حقوق عمومی» را مطرح می‌کنند (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۷۲: ۶۸).

این «صیورت» مفاهیم از حقوق خصوصی به حقوق عمومی، آثار و پیامدهایی نیز دارد. برای مثال قرارداد کاری بین دو نفر در حوزه حقوق مدنی و براساس فقه فردی، دایر مدار عقد اجاره و ذیل بحث اجیر<sup>۱</sup> و با توجه به اصل آزادی اراده طرفین مطرح می‌شود -همچنان که در قانون مدنی ما ذکر شده است- اما همین موضوع کارکردن برای دیگری وقتی در حوزه اجتماعی و حقوق عمومی مطرح می‌شود به قواعد حقوق کار تبدیل می‌شود که در آن اراده کارفرما از طریق قدرت عمومی محدود می‌شود و دیگر فقه فردی و حقوق مدنی نمی‌تواند جوابگوی کامل موضوعات آن باشد.

اگر این تفاوت را بپذیریم، وعده انتخاباتی از حوزه وعده که در حالت ابتدایی به حقوق مدنی و فقه فردی تعلق دارد به حوزه حقوق عمومی و فقه اجتماعی تبدیل می‌شود و وعده انتخاباتی دیگر به حوزه حقوق خصوصی و فقه فردی تعلق ندارد. به بیان دیگر، گاهی وعده در روابط شخصی میان افراد مطرح است که اگر این‌گونه باشد بحث لزوم به وفای به آن وعده را می‌توان در ادبیات فقه سنتی ما -که بیشتر ناظر بر فقه فردی بود- مشاهده کرد و بر این اساس می‌توان گفت که هر جا فقهای بزرگوار در خصوص ضرورت نداشتن وفای به وعده سخن گفته‌اند، انصراف به آن نوع وعده‌ای دارد که میان افراد در حوزه فقه فردی و در مسیر عقود مثل بیع یا اجاره و مانند آن جریان دارد.

اما وقتی بحث از وعده‌های انتخاباتی به میان می‌آید باید در نظر داشت این پدیده دارای آثار فراوان و حیاتی در اداره حکومت و اثرگذار در سرنوشت کشور و همه شهروندان

---

۱. ماده ۵۱۲ قانون مدنی «در اجاره اشخاص کسی که اجاره می‌کند مستأجر و کسی که مورد اجاره واقع می‌شود اجیر و مال‌الاجاره اجرت نامیده می‌شود». ماده ۵۱۳ قانون مدنی «قسم عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است: ۱. اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل؛ ۲. اجاره متصدیان حمل و نقل اشخاصی یا مال‌التجاره اعم از راه خشکی یا آب یا هوا».

است و دیگر نمی‌توانیم آن را با وعده فردی که شاید بدون آثار مهم اجتماعی است، مقایسه کنیم.

شهروند به اتکای این وعده به کاندیدا رأی می‌دهد به گونه‌ای که اگر کاندیدا وعده نمی‌داد، شهروند به او رأی نمی‌داد بنابراین، علت رأی یا مهم‌ترین انگیزه رأی شهروند می‌تواند این وعده باشد. لذا باید آثار و تبعات آن را در جایی که وعده از ابتدا دروغ بوده یا در صلاحیت کاندیدا نبوده یا وعده‌ای که بر خلاف تواناییش عمل نکرده است، بپذیرد.

صاحب *اصول کافی* در خصوص آیه شریفه «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» می‌نویسد: «آنچه از ظاهر این خبر استفاده شود که منظور سرزنش بر خلف وعده مردم است و مؤید آن است آنچه در نهج البلاغه است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: خلف وعده مایه خشم سخت خداست و هم مردم، ... و بسا حمل شود بر آن وعده‌ای که وعده‌دهنده از اول تصمیم و عزم بر عمل ندارد و آن نوعی از تدلیس و دغلی است و دروغ و این نوع از گفتار شایع است ... از مجلسی (ره) بدان که این دو حدیث با قوت سند خود دلالت دارند که وفای به وعده واجب است و روایت نخست تهدید سختی هم دارد و دلالت دارد بر اینکه آیه «كَبُرَ مَقْتًا» درباره آن نازل شده است و این آیه نیز مشتمل بر تأکیدها و مبالغه‌های فراوان است و این آیه به توسط خبر دلالت دارد به وجوب وفای به وعده ... و آنچه هم اخبار در خصوص صفات ایمان گذشت دلالت دارد بر وجوب وفای به وعده و بر اینکه خلف وعده از اوصاف نفاق است و بعد از بیان چند خبر دال بر وجوب گوید: وجوب وفای به وعده از عموم بسیاری از آیات قرآن هم استفاده می‌شود چون قول خدای تعالی (آیه ۳۴ سوره اسرا): «به عهد وفا کنید زیرا عهد مورد بازخواست است» که به عموم و اطلاق خود شامل تعهدات مردم نسبت به یکدیگر هم می‌شود که وعده و قول هم از آن جمله است چون که عهد و وعده از نظر معنی به هم نزدیک‌اند و همچنین قول خدا (آیه ۱۷۷ سوره بقره): «و آن کسانی که به عهد خود وفا کنند وقتی عهد بندند» (سپس اخبار دیگری در این زمینه نقل کرده است) تا آنکه گوید: شیخ در تهذیب به سند خود از اسحاق بن عمار از امام باقر و از پدرش روایت کرده است که علی (ع) می‌فرمود: هر که برای زن خود شرطی کند باید بدان وفا کند، زیرا مسلمانان پابند شروط خود باشند جز آنچه حلالی را حرام کند یا حرامی را حلال کند و اینکه «المسلمون عند شروطهم الا ما خالف کتاب الله» مورد اتفاق مسلمان‌هاست و همه آن را درست دانسته‌اند و در آن قید نشده است که باید در ضمن عقدی باشد» (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۸۵-۶۸۷).

صاحب *تفسیر المیزان* نیز می‌نویسند: قول بدون عمل یا ناشی از نفاق است یا ناشی از ضعف اراده که هر دو جزو رذایل نفسانی‌اند در حالی که سعادت انسان مبتنی بر انجام عمل

خیر به صورت ارادی است و اینکه انسان بر خلاف گفتارش عمل کند نشانه ضعف اراده است<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۴۹).

همچنان که برخی مفسران دیگر نیز معتقدند آیه بالا هرگونه تخلف از عهد و پیمان و وعده را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۳) و برخی از مفسران نیز به زیبایی علت لزوم وفای به وعده را لزوم پایداری روابط اجتماعی دانسته‌اند و معتقدند خلاف وعده عمل کردن، روابط اجتماعی را متزلزل می‌کند (مراغی، بی تا: ۸۱).<sup>۲</sup>

از مهم ترین دلایل بر این موضوع که نوع برخورد با وعده‌های فردی با واکنش در برابر وعده‌های اجتماعی باید متفاوت باشد و باید به صورت سختگیرانه تری عمل کرد، سیره علوی به ویژه در نامه آن حضرت به مالک اشتر است. آن حضرت در آن نامه و در مقام خلیفه مسلمانان و تدوین و ابلاغ منشور حکومتی مطلوب علوی به مالک اشتر می‌فرماید: «بپرهیز از اینکه احسانت را بر رعیت منت گذاری، یا کرده خود را بیش از آنچه هست بزرگ شماری، یا به رعیت وعده‌ها دهی و خلاف آن را به جا آوری، چراکه منت موجب بطلان احسان و کار را بیش از آنچه هست پنداشتن باعث از بین بردن نور حق در قلب و خلف وعده سبب خشم خدا و مردم است، خداوند بزرگ فرموده: «این باعث خشم بزرگ خداست که بگویند و انجام ندهید».<sup>۳</sup> در این عبارت زیبا امیرالمؤمنین خطاب به کارگزار حکومتی خود، او را از تخلف از وعده بر حذر می‌دارد و آن را مصداق آیه شریفه «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» معرفی می‌کند و در جایی که تخلف از وعده‌ای که از سر حقیقت داده شده چنین است به طریق اولی دادن وعده دروغین می‌تواند مستحق چنین عتابی باشد.

در روایت دیگری از امام باقر (ع) نیز می‌خوانیم که فرمودند: «سه چیز است که خدای

۱. «و الآية في مقام التعليل لمضمون الآية السابقة فهو تعالى يبغض من الإنسان أن يقول ما لا يفعله لأنه من النفاق، و أن يقول الإنسان ما لا يفعله غير أن لا يفعل ما يقوله فالأول من النفاق و الثاني من ضعف الإرادة و ههنا العزم و هو رذيلة منافية لسعادة النفس الإنسانية فإن الله بنى سعادة النفس الإنسانية على فعل الخير و اكتساب الحسنه من طريق الاختيار و مفتاحه العزم و الإرادة، و لا تأثير إلا للراسخ من العزم و الإرادة، و تخلف الفعل عن القول معلول و ههنا العزم و ضعف الإرادة و لا يرجي للإنسان مع ذلك».

۲. «ذاک أن الوفاء بالوعد دلیل علی کریم الشیم، و جمیل الخصال، و به تكون الثقة بين الجماعات، فترتبط برباط المودة و المحبة حين يتعامل بعض أفرادها مع بعض، و يكونون يدا واحدة فيما اتسوا من الأعمال، و العكس بالعكس، فإذا فشا في أمة خلف الوعد قلت الثقة بين أفرادها، و انحلت عرا الروابط بينهم، و أصبحوا عقدا متناثرا لا ينتفع به، و لا يخشى منهم عدو إذا اشتدت الأزمات، و عظمت الخطوب، لما يكون بينهم من التواكل، و عدم ائتمان بعضهم بعضا».

۳. «وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوْ التَّرَيُّدِ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، أَوْ أَنْ تُعَدَّهُمْ فَتُنْتَحِ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يُبْطِلُ الْأَحْسَانَ، وَالتَّرَيُّدُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ، وَالْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ».



عزوجل در آن‌ها برای احدی رخصت نداده است: ادای امانت به خوش کردار و بدکردار، وفای به عهد و پیمان برای خوش کردار و بدکردار و احسان به پدر و مادر چه خوش کردار باشند و چه بدکردار» (مراغی، بی تا: ۴۷۹).

## مبانی مقابله با وعده‌های دروغین انتخاباتی در قانون اساسی

قانون اساسی مهم‌ترین سند حقوقی سیاسی کشور و پایه‌گذار نهادهای حکومتی است. با مراجعه به قانون اساسی می‌توانیم مبانی‌ای را در خصوص جایز نبودن وعده‌های دروغین انتخاباتی و لزوم مقابله با این پدیده شوم استنباط کنیم.

### ۱. تنافی وعده‌های دروغین انتخاباتی با پایه‌های ایمانی نظام

اصل دوم قانون اساسی<sup>۱</sup> پایه‌های ایمانی نظام را بیان می‌دارد که وعده دروغین در انتخابات مصداق تضاد با پایه‌های ایمانی نظام جمهوری اسلامی ایران مانند توحید و معاد و خلاف کرامت انسانی است.

### ۲. وعده‌های دروغین انتخاباتی به مثابه یکی از مظاهر تباهی و فساد

اصل سوم قانون اساسی نیز بیان می‌دارد: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد ... ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی». کاملاً مشخص است که وعده‌های دروغین بر خلاف فضایل اخلاقی و ایمان و تقوی است و دقیقاً مصداق فساد و تباهی است که باید با آن مبارزه کرد.

### ۳. تنافی وعده‌های دروغین انتخاباتی با امانت و تقوا

در اصل شصت و هفتم<sup>۲</sup> که بیان‌کننده سوگند نمایندگان است، نماینده سوگند می‌خورد که

۱. «جمهور اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ۱. خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او؛ ۲. وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛ ۳. معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا؛ ۴. عدل خدا در خلقت و تشریح؛ ۵. امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛ ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا».

۲. نمایندگان باید در نخستین جلسه مجلس به ترتیب زیر سوگند یاد کنند و متن قسم‌نامه را امضا کنند. بسم الله الرحمن الرحیم «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی

«ودیعهای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم» و نماینده‌ای که با وعده‌های دروغین در انتخابات برگزیده شده است چگونه می‌تواند وظایف نمایندگی را با امانت و تقوی انجام دهد؟

#### ۴. تنافی وعده‌های دروغین انتخاباتی با ترویج دین و اخلاق

براساس اصل یکصد و بیست و یکم رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود سوگند یاد می‌کند<sup>۱</sup> که خود را «وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت» کند و بدون شک دادن وعده‌های دروغین در انتخابات نه تنها با ترویج دین و اخلاق مغایرت دارد، بلکه آن‌ها را دچار ضعف و تزلزل می‌کند.

#### ضمانت اجراهای حقوقی مقابله با وعده‌های دروغین انتخاباتی

شاید بتوان مهم‌ترین ابزار مقابله با وعده‌های دروغین را افکار عمومی دانست. حضور فعالانه شهروندان در انتخابات و تأثیرناپذیری در مقابل وعده‌هایی که از سوی نامزدهای انتخاباتی مطرح می‌شود که این وعده‌ها کاملاً غیرقانونی و حتی غیرممکن است، می‌تواند در یک بازه زمانی مناسب، فضای تبلیغات انتخاباتی را به معرکه ارزیابی برنامه‌ها - و نه وعده‌ها - تبدیل کند و باید امید داشت که بالا رفتن سواد سیاسی شهروندان، مانع از برگزیده شدن نامزدهایی شود که با فریب و دروغ به جلب آرای شهروندان اقدام می‌کنند.

جمهوری اسلامی باشم، ودیعهای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف وکالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آن‌ها را مدنظر داشته باشم».

۱. «رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌کند. بسم الله الرحمن الرحیم «من به عنوان رئیس جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار علیهم السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم».

متأسفانه در ادبیات قانونی ما در این خصوص مقررات گذاری ویژه‌ای نشده است البته در سیاست‌های کلی نظام در امر انتخابات که در مهرماه ۱۳۹۵ ابلاغ شد، «ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخابات» آمده است.

با مراجعه به قوانین انتخاباتی از جمله قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>، قانون انتخابات ریاست جمهوری<sup>۲</sup>، آیین‌نامه‌های مربوطه<sup>۳</sup> و حتی دستورالعمل‌های تبلیغاتی، شاهد مقرراتی در این زمینه نیستیم و بیشتر این مقررات ناظر بر مسائل صوری و شکلی است، اما می‌توان پیشنهادهایی را در این زمینه به منزله ضمانت اجرای وعده‌های دروغین انتخاباتی مطرح و بررسی کرد.

شورای نگهبان، به‌منزله نهاد تشخیص‌دهنده صلاحیت کاندیداها، می‌تواند در موردی که کاندیدایی در انتخابات پیشین با استفاده قطعی از وعده‌های دروغین انتخاب شده است به‌منزله یک مؤلفه در بررسی‌های صلاحیتی خود به این موضوع توجه کند و آن را در تأیید یا رد آن کاندیدا مدنظر قرار دهد و به‌منزله نکته‌ای منفی لحاظ کند.

واکنش دیگر در مقابل وعده‌های دروغین در انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌تواند مرحله اعتبارنامه باشد. در خصوص نمایندگان مجلس، اعتبارنامه آخرین مرحله از مراحل رسمی شدن سمت نمایندگی است و در این مرحله نمایندگان به ارزیابی خود اقدام می‌کنند که در این مرحله نیز در صورت وجود شرایط، نمایندگان می‌توانند نسبت به وعده‌های دروغینی که کاندیدای منتخب حاضر در مجلس عنوان کرده است و کاملاً مشخص باشد که انتخاب او مستند به این وعده‌های انتخاباتی باشد، عکس‌العمل نشان دهند و مطابق آیین داخلی مجلس اعتراض خود را به اعتبارنامه او اعلام کنند.<sup>۴</sup>

از سوی دیگر شاید بتوان وعده‌های دروغین نمایندگان را مشمول ماده دوم قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان دانست.<sup>۵</sup> چون این عمل هم رفتار غیراخلاقی است و هم رفتاری بر

۱. <http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx?CategoryID=17653cea-4a8a-45b0-9fdb-bfdaaf4ea3b9>.

۲. <http://www.moi.ir/portal/File/ShowFile.aspx?ID=aa23f20a-1659-4508-8005-9a748448396c>.

۳. <http://www.moi.ir/portal/File/ShowFile.aspx?ID=de9ff1ab-7d96-4037-ab00-00cdf19cb728>.

۴. ماده ۳۱ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: «هیأت‌رئیس موظف است فهرست اعتبارنامه‌های ارجاعی به شعب را تکثیر و در اختیار نمایندگان قرار دهد. چنانچه نماینده‌ای به هر یک از اعتبارنامه‌ها معترض باشد، حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انتشار فهرست فوق‌الذکر اعتراض خود را کتبی به شعبه مربوطه تقدیم می‌دارد. شعبه موظف است حداقل بیست و چهار ساعت قبل از بررسی هر اعتبارنامه از معترضان جهت توضیح اعتراض خود دعوت به عمل آورد».

۵. «هیأت صلاحیت رسیدگی به امور زیر را دارد: الف) گزارش‌های واصله درباره سوءاستفاده و تخلف مالی یا اخلاقی نماینده و درآمدها و هزینه‌های غیرمعارف وی؛ ب) گزارش‌های مربوط به رفتار خلاف شئون نمایندگی؛ پ) گزارش‌های واصله درباره اعمال خلاف امنیت ملی کشور و سایر اعمال مجرمانه از بعد انتظامی؛

خلاف شئون نمایندگی که البته در این صورت مشمول مجازات مقرر در ماده ششم قانون مارالذکر می‌شود که طبق آن هیأت با توجه به اهمیت تخلفات و شرایط و موقعیت ارتکاب آن‌ها نسبت به اعمال یک یا چند مجازات تصمیم می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در خصوص رئیس جمهور، علاوه بر اینکه شورای نگهبان در بررسی صلاحیت کاندیداها می‌تواند وعده‌های دروغین و عدم عمل به وعده‌های قانونی را به منزله نکات منفی در تعیین صلاحیت در نظر بگیرد، نظارت سیاسی پارلمان شاید ابزار خوبی در اختیار نمایندگان قرار دهد تا در خصوص وعده‌های دروغین رئیس جمهور موضع بگیرند که اصل ۸۸ و ۸۹ قانون اساسی<sup>۲</sup> ابزارهای نظارت سیاسی پارلمان بر رئیس جمهور یعنی سؤال و استیضاح را بیان کرده است.

ت) گزارش‌های هیأت‌رئیس درباره غیبت، تأخیر و بی‌نظمی نماینده موضوع مواد (۷۸) تا (۸۱) و (۸۸) تا (۹۱) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی. تبصره ۱. منظور از موارد خلاف شئون نمایندگی رفتار خلاف عرف مسلم نمایندگی است به نحوی که نوعاً نمایندگان آن را خلاف شأن بدانند.

۱. «الف) تذکر شفاهی بدون درج در پرونده؛ ب) تذکر کتبی با درج در پرونده؛ پ) اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار تخلف؛ ت) کسر حقوق از یک ماه تا یک سال به میزان یک دوم؛ ث) محرومیت از عضویت در مجامع و شوراهای یا کمیته‌های تحقیق و تفحص؛ ج) محرومیت از نامزدی برای عضویت در هیأت‌رئیس مجلس و هیأت‌رئیس کمیسیون‌ها؛ چ) اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه غیرعلنی توسط رئیس مجلس و ح) اعلام یک یا چند تخلف نماینده در جلسه علنی توسط رئیس مجلس».

۲. اصل هشتم و نهم ۱. «نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیأت‌وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند. استیضاح وقتی قابل طرح در مجلس است که با امضای حداقل ده نفر از نمایندگان به مجلس تقدیم شود. هیأت‌وزیران یا وزیر مورد استیضاح باید ظرف مدت ده روز پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و به آن پاسخ گوید و از مجلس رأی اعتماد بخواهد. در صورت عدم حضور هیأت‌وزیران یا وزیر برای پاسخ، نمایندگان مزبور درباره استیضاح خود توضیحات لازم را می‌دهند و در صورتی که مجلس مقتضی بداند اعلام رأی عدم اعتماد خواهد کرد. اگر مجلس رأی اعتماد نداد هیأت‌وزیران یا وزیر مورد استیضاح عزل می‌شود. در هر دو صورت وزرای مورد استیضاح نمی‌توانند در هیأت‌وزیرانی که بلافاصله بعد از آن تشکیل می‌شود عضویت پیدا کنند؛ ۲. در صورتی که حداقل یک سوم از نمایندگان مجلس شورای اسلامی رئیس جمهور را در مقام اجرای وظایف مدیریت قوه مجریه و اداره امور اجرایی کشور مورد استیضاح قرار دهند، رئیس جمهور باید ظرف مدت یک ماه پس از طرح آن در مجلس حاضر شود و در خصوص مسائل مطرح شده توضیحات کافی بدهد. در صورتی که پس از بیانات نمایندگان مخالف و موافق و پاسخ رئیس جمهور، اکثریت دو سوم کل نمایندگان به عدم کفایت رئیس جمهور رأی دادند مراتب جهت اجرای بند ده اصل یکصد و دهم به اطلاع مقام رهبری می‌رسد».

اصل هشتم و هشتم: «در هر مورد که حداقل یک چهارم کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی از رئیس جمهور و یا هر یک از نمایندگان از وزیر مسئول، درباره یکی از وظایف آنان سؤال کنند، رئیس جمهور یا وزیر موظف است در مجلس حاضر شود و به سؤال جواب دهد و این جواب نباید در مورد رئیس جمهور بیش از یک ماه و در مورد وزیر بیش از ده روز به تأخیر افتاد مگر با عذر موجه به تشخیص مجلس».

## شرایط و ضوابط اعمال ضمانت‌های حقوقی

ما در انتخابات با دو نوع حق مواجه‌ایم؛ حق نامزد انتخاباتی و حق شهروندان و باید هر دو حق در کنار یکدیگر مورد نظر قرار گیرند. لذا همان‌گونه که حق شهروندان، برگزاری انتخابات سالم است که پدیده‌هایی مانند وعده‌های دروغین و فریبنده در آن نقش نداشته باشند؛ از آن طرف نیز با حق نامزدهای انتخاباتی روبه‌رو هستیم که نباید به بهانه‌ی مقابله با وعده‌های دروغین، حتی از آن‌ها ضایع و از این امر سوءاستفاده شود. به نظر می‌رسد اعمال ضمانت‌های حقوقی علیه وعده‌های دروغین انتخاباتی کاملاً باید در چارچوب شرایط و ضوابط ذیل باشند و رعایت نکردن این شرایط و ضوابط، مشروعیت استفاده از ضمانت‌های اجرایی گفته‌شده را بر هم می‌زند مخصوصاً که هنوز دکترین خاص و نظام حقوقی و قانونی ویژه‌ای در این موضوع به وجود نیامده است و لذا باید در کمال احتیاط و به صورت تفسیر کاملاً مضیق در این باره عمل کرد:

الف) وعده‌ی انتخاباتی باید در فرایند رسمی انتخابات و از سوی خود نماینده یا سخنگوی رسمی او، آن هم در برنامه‌های رسمی انتخاباتی بیان شود.

ب) انتساب وعده‌ی دروغین به نامزد انتخاباتی محرز باشد.

ج) مقابله با این پدیده بایستی به صورت کامل در چارچوب اصل حاکمیت قانون و مبتنی بر قوانین و مقررات دقیق، شفاف و مبتنی بر مصالح و منافع عمومی باشد که البته لازمه‌ی آن اصلاح قوانین و مقررات انتخاباتی موجود است.

د) به هیچ‌وجه مقامات حکومتی چه در مقام اجرا و چه در مقام نظارت، نباید از این ضمانت‌های اجرایی سوءاستفاده سیاسی به نفع گروه خاص، جریان خاص یا حزبی کنند.

ه) زمانی ضمانت‌های حقوقی اعمال شود که وعده‌های دروغین در انتخابات در انتخاب نامزد تأثیرگذار بوده است.

و) در اعمال ضمانت‌های حقوقی بایستی کمیت و کیفیت وعده‌های دروغین و میزان تأثیر آن لحاظ شود.

ز) در روند بررسی موضوع، اصول دادرسی منصفانه مانند حق دفاع به نامزد انتخاباتی داده شود و باید فرایند بررسی کاملاً به صورت مستند و مستدل و به صورت شفاف و از سوی کسانی صورت گیرد که دلبستگی یا وابستگی به جریان خاص سیاسی نداشته باشند و به صورت بی‌طرفانه موضوع را بررسی کنند.

ح) بررسی موضوع باید به دور از هرگونه هیاهوهای سیاسی و در فضایی کاملاً حقوقی صورت گیرد.

## نتیجه گیری

تبلیغات انتخاباتی از مهم‌ترین مراحل انتخابات و البته بسیار تأثیرگذار در آن است که طی آن نامزدهای انتخاباتی سعی می‌کنند با اعلام مواضع و برنامه‌های خود و نقد مواضع و برنامه‌های دیگران از نامزدهای دیگر پیشی گیرند. متأسفانه تبلیغات انتخاباتی در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز نتوانسته است به یک مدل شایسته دست یابد و استفاده از فضاهای احساساتی، تخریب رقیبان و تأکید بر جنبه‌های سلبی به جای بیان برنامه‌های ایجابی به یک رویه عمومی در انتخابات تبدیل شده است.

یکی از آسیب‌های جدی تبلیغات انتخاباتی، وعده‌های انتخاباتی است که این وعده‌ها معمولاً غیرواقعی و خالی از حقیقت و تنها ابزاری برای کسب آرای بیشتر است و از سوی دیگر حتی اراده‌ای برای عملی کردن وعده‌های داده‌شده نیز وجود ندارد. این در حالی است که در معارف دینی، علاوه بر مذمت دانستن دادن وعده‌های دروغین، نقض عهد و عمل نکردن به وعده‌ها از جمله گناهان کبیره محسوب می‌شود. در میان فقها در لزوم یا عدم لزوم وفا به وعده‌ها - که وعده‌های انتخاباتی می‌تواند از جمله آن‌ها باشد - اختلاف دیدگاه وجود دارد، اما به نظر می‌رسد ادله طرفداران ضرورت وفا به وعده در موضع وعده‌های انتخاباتی پسندیده‌تر باشد که البته در قانون اساسی نیز می‌توان مبانی جایز نبودن وعده‌های دروغین انتخاباتی را یافت و در سیاست‌های کلی نظام در امر انتخابات نیز به این موضوع توجه شده است.

در خصوص ضمانت اجرای حقوقی مقابله با وعده‌های دروغین انتخاباتی نیز هر چند قوانین و مقررات خاص و ویژه‌ای پیش‌بینی نشده است، اما می‌توان ضمانت اجرایی را در نظر گرفت که البته باید تحت شرایط خاص و بدون هرگونه سوءاستفاده‌گری از آن و تحت چارچوب اصل حاکمیت قانون و در قالب فرایند قضایی یا شبه‌قضایی و در یک فرایند بررسی مستند و مستدل باشد. تدوین نظام مطلوب انتخاباتی که مبتنی بر آموزه‌های بومی و دینی کشور باشد ضرورتی است که خود را در هر انتخاباتی بیشتر عیان می‌کند و عناصر این نظام مطلوب - از جمله موضوع تبلیغات انتخاباتی و وعده‌ها - نیز باید دارای چارچوب‌های حقوقی دقیق، منطقی و دارای ضمانت اجرا شوند که این نوشتار تنها آغازی برای گفت‌وگوی اندیشمندان در حوزه ساماندهی حقوقی و قانونی به وعده‌های انتخاباتی است.

## منابع

### الف) فارسی

۱. اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷). «ایجاب و زوال آن از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی و کنوانسیون

۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). *کتاب القضاء و الشهادات*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ ه. ق). *کتاب المكاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثه)*، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. ایروانی، علی بن عبدالحسین نجفی (۱۴۰۶ ه. ق). *حاشیة المكاسب (للایروانی)*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ه. ق). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۸۵). «ماهیت نمایندگی با تکیه بر آموزه‌های اسلامی»، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۸.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). *نمایندگی مجلس (حقوق و وظایف)*، تهران: کانون اندیشه جوان.
۸. الحلبي، أبي الصلاح تقي بن نجم (بی تا). *الكافي فی الفقه*، اصفهان: کتابخانه عمومی امیرالمؤمنین.
۹. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۰. سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ه. ق). *مهذب الأحكام (للسبزواری)*، قم: مؤسسه المنار.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. عاملی، حر، محمد بن حسن (۱۴۱۸ ه. ق). *الفصول المهمه فی أصول الأئمة (تکمله الوسائل)*، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا.
۱۳. قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۲). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، دانشگاه تهران.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *اصول الکافی*، ترجمه کمره‌ای، قم.
۱۵. گیلانی، میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن (۱۴۲۷ ه. ق). *رسائل المیرزا القمی*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان.
۱۶. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۶). *میزان الحکمه*، قم: دارالحديث.
۱۷. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). *تفسیر مراغی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. نجفی، شیخ محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۳۹۱). *الرسائل و مسائل*، تهران: برهان صادق.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۷ ه. ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحكام*، قم: دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.  
۲۲. یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبایی (۱۴۲۱ ه ق). حاشیه‌المکاسب (للیزدی)، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

### ب) قوانین و مقررات و اسناد بالادستی

- ۲۳. سیاست‌های کلی نظام در انتخابات.
- ۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۵. قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی.
- ۲۶. قانون مدنی.
- ۲۷. قانون انتخابات ریاست جمهوری.
- ۲۸. قانون نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان.
- ۲۹. قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی.
- ۳۰. سیاست‌های کلی نظام در امر انتخابات.

